

دانلود نمونه سوالات قرائت و روخوانی قرآن

[برای دانلود فایل اینجا کلیک کنید](#)

همزه وصل در آغاز هر سه نوع کلمه عرب(حرف-اسم-فعل) می آید.
1-حرف" در قرآن تنها کلمه که «حذف» محسوب می شود و همزه وصل می گیرد، «حرف تعریف» (الف و لام) می باشد. این همزه در صورت ابتداء مفتوح است.

مثال: عاقبةُ الدار _____ الدار تدرکَ القمرَ _____ القمرَ

2- اسم "همزه وصلی" که بر سر اسم ها بیاید در صورت ابتداء مکسور خواهد بود. مثال:

مسیحُ ابنُ مریمَ (ابن مریمَ) ابنُ عمرانَ (ابن عمران) ابوبکر
امرء (امرء) ثانی اثنتین (اثنتین) ، اثنتین (مئة اثنتا) اثنتا.

3- فعل "بقیه کلمات دارای همزه وصل در قرآن، فعل هستند. پس از همزه وصل فعل «اولین حرف متحرک» رانگاه می کنیم، اگر مفتوح یا مکسور بود، همزه وصل ما «مکسور» است و اگر حرف مزبور مضموم بود، همزه وصل نیز «مضموم» خواهد بود. در فعل همزه وصل مفتوح نداریم (مثال: فقد آهتوا __ اهتوا (-) ربنا اغفر لنا __ اغفر لنا (-) رب انصرني __ انصرني)

2. حروف مقطعه: از مجموع 114 سوره قرآن، 29 سوره با حروفی آغاز می شوند که باید جدا جدا و با اسم های مخصوص خودشان خوانده شوند. «حروف مقطعه» یعنی «قطعه قطعه» و «جدا جدا». چون این حروف در هنگام تلفظ، قطعه قطعه و جدا جدا خوانده می شوند، به آنها «حروف مقطعه» می گویند. مثلاً در آغاز سوره بقره، عبارت (الم) آمده است که چنین خوانده می شود: (الف، لام، میم) (المص: که چنین خوانده می شود: (الف لام میم صاد)

3. حروف شمسی و قمری:

حروف بیست و هشتگانه عربی به دو قسمت مساوی تقسیم می گردند. 14 تا از آنها «حروف شمسی» و 14 تای دیگر «حروف قمری» نامیده می شوند:

نمونه سوالات قرانت و روخوانی قرآن با پاسخ دانلود رایگان تست پی دی اف pdf جواب

تلفظ کلمه «ال» در نزد حروف قمری و شمسی:

1- اگر «لام» ال به یکی از حروف قمری برسد در این صورت «لام» را با سکون می خوانیم. مانند: القمر- الحطب- ألقادرُ - 2- و اگر «لام» ال به یکی از حروف شمسی برسد در این صورت لام تلفظ نمی گردد و بجای آن حرف بعدی که همان حرف شمسی می باشد با تشدید محکم خوانده می شود مانند: النا س = اناس الرجال = ارجال الثواب = اثواب قاعدة اشباع (هـاء ضمیر)

«ضمیر» کلمه ای است که به جای اسم قرار می گیرد و ما را از تکرار آن بی نیاز می کند. مثلاً به جای «کتاب علی = کتاب علی» می توان گفت: «کتابه = کتاب او». در این جا ضمیر هـ = او (به جای اسم علی) قرار گرفته است. «هـاء ضمیر» عبارت است از ضمیر هـ - هـ (که در آخر کلمه قرار می گیرد و همیشه یا مکسور هـ - هـ (و یا مضموم هـ - هـ) است.

اشباع: یعنی آنکه حرفی را به شکل سیر شده (کشیده) تلفظ کنیم. «اشباع هاء ضمیر» به این معناست که حرکت کوتاه کسره را به حرکت کشیده کسره (پاء مدی) و نیز حرکت کوتاه ضمه را به حرکت کشیده ضمه (واو مدی) تبدیل کنیم. اشباع هاء ضمیر هنگامی صورت می پذیرد که حرف پیش از هاء دارای حرکت باشد. بنابراین، هنگامی که حرف پیش از هاء ضمیر، متحرک باشد، ضمیر هـ - هـ (به شکل هـ) می (؛ و ضمیر هـ - هـ (به صورت هـ) هو (خوانده می شود؛ مثلاً: عبادۀ خوانده می شود: عبادهی. به خوانده می شود: بی هی. یره خوانده می شود: یرهو. له خوانده می شود: لهو. امره خوانده می شود: امرهو. ماله خوانده می شود: مالهو.